

102

شینه که در کدیری شقایق با ناز و نرمی ناز می کند	آن شامه می خوشتر است
رسیده بود و ناز و دیدار و صفت نچین و شامه نایب	و آن سخن بر روی سرش
و آن گرفت و خطا نینشنگ بر داشت و سنج از	از دست نوشت بر ناز و
بی حس تر می زد و گذشت قاضی با یکی از غلامی مترب	ممنوعان و بود گفت
آن شامه می خوشتر است	عرب کوید صرب الجایتب
و آن سخن بر روی سرش	خوشتر است و شایسته
از دست نوشت بر ناز و	مما که از واقاحت ابوی ساحت می دیا و شامه نایب
ممنوعان و بود گفت	به صلابت که نیداشد که در ناز و سنج بود
عرب کوید صرب الجایتب	روزی دو سه صبر کن خوشتر است
و آن سخن بر روی سرش	آنکه روز او در درش طمع بود
از دست نوشت بر ناز و	

شهرت ناز ناز ناز و شاد	لیست تدری می قلب سحر
گفت از ناز و بوی حاصل بود	بزیب در روی و بوی خوش
تا تر عالی نایب و شاد	یکی در حسد و ناز و ناز
سوز من و بوی نایب کن	حال من نایب تر از افشا
قاضی سحر ناز	کوکب بر دست و بوی خوش
حکایت نیکو با نایب نایب نایب نایب نایب	دل و نایب نایب نایب نایب نایب
دل و نایب نایب نایب نایب نایب	در چشم من آن نایب نایب
قاضی سحر ناز	ایران نایب نایب نایب نایب

This side